

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصطلاحات حقوقی

مقدمه

شرکتها و اتحادیه های تعاونی به عنوان یک بنگاه اقتصادی و تشکل اجتماعی نیازمند آشنایی به اصطلاحات حقوقی جاری در کشور می باشد که در این متن سعی شده است اصطلاحات حقوقی بطور خلاصه و کاربردی جهت مدیران و کارکنان شرکت های تعاونی جمع آوری گردد.

اصطلاحات:

۱- امور حسبی : اموری است که دادگاهها مکلفند به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ کنند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد مانند انحصار وراثت

۲- اراضی موات : زمینهای غیر آبادی که سابقه احیاء و بهره برداری ندارد و بصورت طبیعی باقیمانده است (ماده ۱۴۱ قانونی مدنی)

۳- اظهار نامه : نوشته است که مطابق مقررات قانونی تنظیم میشود و وسیله قانونی بیان مطالب است هر کسی می تواند قبل از تنظیم دادخواست به دادگاههای دادگستری اعم از حقوقی یا کیفری حق خود را به وسیله اظهار نامه در دو ستون طراحی شده در آن مطالب و مقاصد خود را بر روی ستون نخست و توسط دایره اظهار نامه دادگستری برای مخاطب خویش ارسال دارد . مخاطب بعد از ابلاغ می تواند پاسخ خویش را در ستون مقابل نوشته و اظهارنامه را برگرداند مخاطب می تواند اظهار نامه را بدون پاسخ و با قید جمله رویت شد نیز به مخاطب برگرداند.

۴- اجرت المثل : اگر کسی از مال دیگری منتفع شود و عین مال باقی باشد و برای مدتی که منتفع شده بین طرفین مال الاجاره ای معین نشده باشد آنچه بابت اجرت منافع استیفاء شده باید به صاحب مال مزبور بدهد اجرت المثل نامیده میشود خواه استیفاء با اذن مالک باشد خواه بدون اذن مالک . به اجرت المثل زمان زندگی مشترک زوج و زوجه " نخله " می گویند .

۵- اجرت المسمی : اجرت مذکور در بحث اجرت المثل در عقد اجاره را اجرت المسمی می گویند

۶- ابلاغ : رساندن یک سند رسمی " خواه از اوراق دعوی باشد خواه از اوراق اجراء احکام یا اجراء اسناد لازم الاجراء و غیره " که به اطلاع شخص یا اشخاص معین با رعایت تشریفات قانونی ماده ۶۷ قانون آئین نامه دادرسی مدنی میرسد

۷- اخطار : برگ دعوت به حضور در محکمه است که به همراه اوراق دعوی و دادخواست خواهان و ضامم آن جهت خوانده ارسال میگردد و در آن ساعت و تاریخ و علت حضور در محکمه قید میگردد که پس از رؤیت طرفین دعوی و گواهی مأمور ابلاغ به دادگاه عودت داده میشود

۸- احضار : فراخوانی متهم با مضمون به ارتکاب جرم به مراجع قضایی کیفری و یا پلیس است نتیجه عدم حضور پس از احضار می تواند صدور حکم جلب باشد

۹- اصل برائت : اصلی پذیرفته شده توسط تمامی حقوقدانان و مراجع حقوقی دنیا مبنی بر بی گناهی هر انسان مگر آنکه خلاف آن ثابت شود انهم به حکم قانون در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری ایران چنین بیان میشود اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود .

۱۰- ایداع دستمزد: پرداخت دستمزد کارشناس نظریه مشورتی کمیسیون آئین دادرسی اداره حقوقی مورخ ۵۰/۶/۹۹ رج به ص ۵۲۲ کتاب مجموعه کامل قوانین و مقررات کارشناسان رسمی دادگستری ویراست جدید
۱۱- اعتراض به نظریه کارشناس موضوع ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی: نظر به اینکه کلاً بر نظر کارشناس برای طرفین دعوی حق اعتراض وجود دارد لکن طبق ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی جلب نظر کارشناس با دادگاه خواهد بود. مستنبط از قسمت اخیر ماده ۴۸ قانون مذکور نظر کارشناس در خصوص مورد قابل تعرض نخواهد بود. اما نظریه باید توسط دادگاه متعارف تشخیص گردد.

۱۲- استفاده دادگاه حقوقی از کارشناس منتخب در پرونده کیفری: اگر در پرونده ای کیفری موضوع به کارشناس ارجاع شود و کارشناس منتخب نیز اظهار عقیده نماید در صورتی که راجع به رقبه متنازع فیه پرونده حقوقی نیز مطرح شود باید بدین گونه عمل گردد که قائل به تفکیک بشویم یعنی اگر نظر کارشناس در امور کیفری مستند رأی دادگاه کیفری باشد دادگاه حقوقی میبایست از نظر کارشناس تبعیت نماید زیرا در غیر اینصورت در واقع از رای دادگاه کیفری تبعیت ننموده که خلاف قانون است اما اگر مستند رای کیفری نظر کارشناس نباشد دادگاه حقوقی می تواند مجدداً قرار کارشناسی صادر نماید.

۱۳- اصله: یک درخت یا یک نهال را اصله گویند

۱۴- احاله: تحول از مکانی به مکان دیگر در اصطلاح خروج دادگاه از صلاحیت محلی، برای رعایت پاره ای مصالح، در این حال جرمی که باید بر حسب اقتضای صلاحیت محلی در دادگاه معین رسیدگی شود در دادگاه محل دیگری که در عرض آنست مورد رسیدگی قرار می گیرد، این عمل به اذن دادگاه بر تراز آن صورت می پذیرد. در حقوق بین الملل خصوص اگر قانون خارجی احوال شخصی تبعه خارجه را به قانون ایران احاله کند در این صورت قاضی ایرانی باید قانون ایران را به کار بندد.

۱۵- اخذ به شفعه: اگر مال غیر منقول قابل قسمتی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به ثالث بفروشد شریک حق دارد قیمتی را که مشتری داده به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند(ماده ۸۰۸ قانون مدنی).

۱۶- اقارب نسبی: پیوستگان خون یا قرابت خونی رابطه خویشاوندی است ناشی از تولد و تناسل مانند فرزند

۱۷- اقارب سببی: پیوستگان و خویشاوندان ناشی از ازدواج را گویند مانند پدر زن، برادر زن، عموی زن و غیره.

۱۸- اقاله: عبارتست از بر هم زدن عقد لازم به تراضی یکدیگر، تفاسخ، فسخ معامله، فسخ بیع نمودن و از کاری در گذشتن

۱۹- اقرار: عبارتست از اخبار به حقی برای غیر به ضرر خود مطلق اعتراف و پذیرفتن گناه و اتهام.

۲۰- امارات: نشانه ها، دلالات، اماره عبارتست از اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود در فقه دلیلی که مفید ظن است ولی در شریعت به آن اعتبار داده شده باشد در ارجاع امری به کارشناسان امارات می توانند عامل مهمی در اظهار نظر آنان باشند.

۲۱- اجراء: عملیاتی جهت تحقق بخشیدن به یک حکم یا دستور قضائی یا امر قانونی

۲۲- بیع: خرید یا فروش کلمه بیع از الفاظ اضداد است یعنی هم به معنای خرید و هم فروش بکار می رود.

۲۳- بریات عمومیه: به معنی امور خیریه یعنی اموری که برای تامین هدف های نیکو کاری و خیر مورد نظر و توجه قرار می گیرد از قبیل وصایای عمومی و اوقاف عمومی

۲۴- بیتوته: ماندن و توقف متوالی در جا یا مکانی

۲۵- تامین دلیل: صورت برداری دادگاه ((شورای حل اختلاف)) بند ب ماده ۹ قانون شوراها حل اختلاف به تقاضای ذینفع قبل از حاجت به اثبات به منظور حفظ آن از زوال است و صورت جلسه ای که متضمن این امر است حکایت از اعتبار و صحت دلایل ثبت شده نمی کند بلکه آنها را به هر صورت که ملاحظه شده منعکس می کند و در صورت بروز دعوی و استناد به آن دلایل دادگاه باید به اعتبار دلایل رسیدگی کند ماده ۱۴۹ آئین دادرسی مدنی

۲۶- تحقیقات محلی: استماع گواهی گواهان محلی در محل را تحقیقات محلی گویند (ماده ۲۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی)

۲۷- تصرف عدوانی: عبارتست از خارج شدن مال از ید مالک ((یا قائم مقام قانونی او)) بدون رضای وی یا بدون مجوز قانونی عدم رضای مالک یا عدم اذن قانونی او موجب تحقق عدوان است ماده ۱۵۸ قانونی آئین دادرسی مدنی به بعد.

۲۸- تامین خواسته: وثیقه و تضمینی است که مدعی از اموال مدعی علیه قبل از صدور حکم به نفع خویش از طریق دادگاه می خواهد ماده ۱۰۸ آئین دادرسی به بعد.

۲۹- تعدی: تجاوز از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق غیر در حقوق جزا تعدی به معنای اخذ مال یا ایداء و آزار غیر بدون مجوز قانونی تعریف شده است ماده ۹۵۱ قانون مدنی و نیز ۱۳۲ همان قانون.

۳۰- تلف: از بین رفتن مال بدون دخالت مستقیم ((اتلاف)) یا غیر مستقیم ((تسبیت)) مالک یا شخصی دیگر است. در بیع که بایستی قبض و اقباض صورت گیرد در صورت تلف شدن مبیع قبل از قبض مسئول بایع است ((تلف مبیع قبل قبضه فهو من مال بایعه))

۳۱- تراضی: به معنای توافق متقابل است.

۳۲- تهاتر: یکی از اسباب سقوط تعهدات است بدین معنی که به موجب آن دو تعهد متقابل که طرفین آنها فرق نمی کنند و موضوع آن تعهدات وجه نقد یا اشیا است به موجب قرار داد ((تهاتر قرار دادی)) یا حکم دادگاه ((تهاتر قضائی)) یا قانون ((تهاتر قانونی)) ساقط میشوند ماده ۲۹۴ قانون مدنی به بعد.

۳۳- ثمن: مالی است که در عقد بیع عوض مبیع قرار می گیرد. بهاء مورد معامله لازم نیست حتما پول باشد.

۳۴- ثمن: به ضم اول و سکون ثانی به معنی یک هشتم و یا ۸ یک است ((ثمینه))

۳۵- ثالث: شخصی که طرف عقد یا دعوی نیست مواد ۲۳۱ و ۴۸۸ و ۳۹۹ قانون مدنی و ۱۳۰ آئین دادرسی مدنی.

۳۶- جرم: هر عملی که قانون آن را از طریق کیفر منع کرده باشد جرم است هم می تواند فعل باشد و هم ترک فعل ((فعل مانند قتل)) ترک فعل ((مانند شیر ندادن مادر به فرزند و یا کمک نکردن به مسموم و آسیب رسیدن به وی به علت عدم کمک))

- ۳۷- جعله : التزام شخصی است به پرداخت اجرت معلوم در مقابل عملی معلوم مانند اینکه کارگری را جهت انجام کاری به کار گمارید در قبال مبلغی مشخص .
- ۳۸- جاعل : مرتکب جرم جعل را جاعل گویند .
- ۳۹- جعل : قلب حقیقت بوسیله یک عمل مادی در نوشتجات رسمی یا عادی یا چیز دیگر .
- ۴۰- حق اله : حقوقی است که یک طرف آن خداوند تبارک و تعالی و طرف دیگر آن افراد جامعه یا گروهی از افراد باشند مثلاً وجوب پرداخت زکات حق اله است .
- ۴۱- حقوق ارتفاقی : حقوقی است که شخصی در ملک دیگری دارد از جمله حق المجری ، حق العبور ، حق آبچک ، برفریز و غیر آن ماده ۲۰ قانون ثبت
- ۴۲- حق کسب و پیشه : حقی است برای مستاجر و کسانی که از طریق اجاره مکانی امرار معاش می کنند حق مزبور خود به خود مالیت ندارد و به تنهایی قابل مبادله نیست یعنی مستاجر نمی تواند هم منافع عین مستاجر را برای خود نگه دارد و هم حق کسب و پیشه را به غیر منتقل کند و عوض آن را بگیرد بلکه هر دو را باید با هم منتقل کند یعنی حق کسب و پیشه نسبت به منافع عین مستاجر یک مال تبعی است لذا توقیف تابع بدون توقیف متبوع معنی ندارد (حق کسب و پیشه مال غیر منقول است) روح ماده ۱۸ قانون مدنی ، حسب قانون روابط مالک و مستاجر حق کسب و پیشه شامل مطب پزشکان ، دفاتر اسناد رسمی ، دفتر وکلا نمی شود .
- ۴۳- حق سکنی : حق سکونت فردی در مسکن متعلق به دیگری است در عقد ازدواج عبارتست از تعیین محل سکونت توسط زوجه که از طرف زوج به او تفویض می گردد .
- ۴۴- حق شرب : حق استفاده ملک یا شخصی از آب چاه یا چشمه یا قنات یا نهر یا رودخانه برای خوردن یا آبیاری زراعت با درختان
- ۴۵- حقابه : حقی که یک ملک واقع در ده یا مزرعه بزرگ از آب رودخانه یا چشمه یا نهر یا قنات واقع در آن محل بر حسب قرار داد قبلی یا عرف و عادت و سنت دارا باشد . حقابه از توابع آن ملک است یعنی مال تبعی است (ماده ۴۲ آئین نامه قانون ثبت)
- ۴۶- حق المجری : حقی است که به موجب آن شخص از ملک غیر حق داشتن مجرای آب و بردن آن داشته باشد .
- ۴۷- حق الاجراء : نیم عشر اجرائی در اجرا اسناد رسمی را گویند ماده ۱۳۱ قانون ثبت و نیز عشریه اجرا احکام دادگاهها را حق الاجرا نامند ((ماده ۷۴ قانون تسریع و آئین نامه شماره ۲۰۷۳۳ مورخ ۱۳۱۷/۵/۱۸)).
- ۴۸- حق العمل کار: کسی که به دستور دیگری معاملاتی نموده و در مقابل آن اجرت دریافت میدارد .
- ۴۹- خواهان : شخص حقیقی یا حقوقی است که از طریق تقدیم دادخواست به دادگاه تقاضای رسیدگی به دعوی خویش را می نماید .
- ۵۰- خوانده : شخص حقیقی یا حقوقی است که از طریق تقدیم دادخواست توسط خواهان به دادگاه فرا خوانده میشود .
- ۵۱- خلع ید : رفع تصرف متصرف عدوانی در ملک دیگری است .

۵۲- دادخواست : یا عرض حال شکوائیه ایست که به مراجع قضائی در اوراق مخصوص ((نمونه ضمیمه جزوه)) به طور کتبی یا شفاهی عرضه می شود(ماده ۴۸ به بعد آئین دادرسی مدنی) .

۵۳- دادگاه : محل مخصوصی است که برای دادرسی مقرر شده است لکن بر اساس نوع وظیفه محوله و نوع صلاحیت به انواعی مختلف تقسیم می گردد از جمله دادگاه عمومی ، حقوقی ، جزائی ، انتظامی ، بخش ، سیار ، عالی ، شهرستان ، اداری ، خانواده ، تجدید نظر و غیر آن .

۵۴- دادسرا : اداره ای است که دادستان و کارمندان او در آن انجام وظیفه می کنند و کلیه شکایت هایی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص مسائل کیفری دارند در آنجا مطرح می گردد دادسرای شهرستان مرکب از دادستان شهرستان و به قدر لزوم دادیار ، باز پرس و معاون که عهده دار کشف جرم ، تعقیب متهم به جرم ، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی ، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبیه وفق ضوابط قانونی است . اقدامات دادسرا در جرائمی که جنبه خصوصی دارد با شکایت شاکی خصوصی شروع میشود .

۵۵- دستور موقت : نوعی رای دادگاه است بصورت قرار که مشعر بر فعل و یا ترک و یا توقیف مال است در دادرسی فوری ماده ۳۱۶ قانون آئین دادرسی مدنی به بعد در صورت عدم شکایت ظرف ۲۰ روز از تاریخ صدور دستور موقت و عدم تقدیم دادخواست به در خواست طرف از آن رفع اثر خواهد شد .

۵۶- دستور تخلیه : که در صلاحیت شورای حل اختلاف است و آن عبارتست از صدور دستوری قضائی مبنی بر تخلیه امکان مسکونی استیجاری که مدت اجاره آن به اتمام رسیده و اجاره نامه بر اساس قانون روابط مالک و مستاجر مصوب ۷۶ تنظیم شده و به امضاء دو نفر شاهد رسیده باشد .

۵۷- سهم الارث : نصیب و بهره شخص از ترکه مورث .

۵۸- سهم : حصه شریک در مال الشركه جمع آن سهام است یا سندی است که حکایت از مالکیت حصه معین در شرکتی تجاری ((بنام شرکت سهامی)) می کند و صاحب آن از تمام مزایای مقرر در اساسنامه شرکت استفاده می کند و به همان نسبت در زیانهای شرکت شریک خواهد بود .

۵۹- شهادت شهودگواه : در مواردی که دلیل اثبات دعوا یا موثر در اثبات آن گواهی گواهان باشد به درخواست خواهان یا خوانده دادگاه از گواه دعوت می نماید(ماده ۲۲۹ آیین دادرسی به بعد)

۶۰- شارع : قانونگذار - واضع قانون - مقنن

۶۱- صلاحیت : عبارتست از اختیار قانونی یک مامور رسمی برای انجام پاره ای امور مانند صلاحیت دادگاه ها و صلاحیت ماموریت دولتی در تنظیم اسناد رسمی ماده ۱۰ آیین دادرسی به بعد و ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی ۱۱۳۹ قانون مدنی .

۶۲- طبقات وراث : اشخاصی که به موجب نسب ارث می برند سه طبقه اند

۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد و اولاد

۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها

۳- اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها (ماده ۸۶۱ قانون مدنی)

۶۳- عقد جائز : عقدی است که طبقات قابل فسخ است و به موت و جنون و سفه از طرفین منفسخ میشود مانند عاریه

- ۶۴- عقد لازم : عقدی است که صرف نظر از خیار نتوان آن را فسخ نمود.
- ۶۵- قرارداد : تصمیم دادگاه در امر ترفعی که کلاً یا بعضاً قاطع خصومت نباشد مثل قراری که برای آماده کردن مقدمات صدور حکم صادر میگردد از قبیل قرار رسیدگی به دلایل - رجوع به کارشناس و نظایر آن
- ۶۶- قرار ارجاع امر به کارشناس : نوعی تصمیم قضایی است برای سهولت در صدور حکم که موضوع مورد دعوی از نظر قاضی نیاز به شناخت بیشتری از جهات مختلف دارد لذا با صدور قرار ارجاع امر به کارشناس نظر کارشناس را جهت الف : سهولت در صدور رای ب: عادلانه تر بودن رای اخذ و صدور حکم خویش را تحت تاثیر آن نظر قرار می دهد. گرچه قاضی میتواند نظریه کارشناس را نپذیرد .
- ۶۷- قاعده لاضرر : این قاعده از حدیث نبوی و مشهور لاضرر و لا ضرر فی الاسلام گرفته شده و حسب ماده ۱۳۲ قانون مدنی کسی نمیتواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود .
- ۶۸- قاعده ید : هر کسی به نحو عدوان عامداً یا جاهلاً وضع ید بر مال غیر کند ضامن است ماده ۳۰۸ قانون مدنی
- ۶۹- قاعده تسلیط : بدین معنی که هر کس بر مال خود مسلط است به نحوی که حق همه گونه تصرف و انتفاع در آن را دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد مواد ۳۰ و ۱۳۲ قانون مدنی
- ۷۰- قلع: کندن - از بیخ کندن - از ریشه کندن - محو - نابودی - ویرانی - این اصطلاح به همراه کلمه قمع در بعضی احکام دادگاه در رفع تصرف عدوانی به کار میرود.
- ۷۱- قهری : ضد ارادی و اختیاری است .
- ۷۲- کیفر خواست : تقاضای کیفر از دادگاه جزا برای متهم از طرف دادستان کتبی یا شفاهی
- ۷۳- متعاملین : طرفین معامله
- ۷۴- متولی : شخصی که از طرف واقف برای اداره وقف معین میشود
- ۷۵- مزارعه : عقدی است که یک طرف زمینی را برای مدت معینی برای کشت و زرع تقسیم حاصل به طرف دیگر میدهد
- ۷۶- مساقات : در اصل به معنای آبیاری است و در اصطلاح معامله ای است بین مالک درختان و مانند آنها با کارگر در مقابل سهم مشاع از میوه و ثمر و برگ و گل
- ۷۷- موقوفه : آنچه از قبیل ملک - زمین مستغلات و غیره که در راه خدا وقف کنند
- ۷۸- نیابت قضایی : نیابتی که قضات در امور قضایی به قضات دیگر در مکان دیگر می دهند و ممکن است اجباری یا اختیاری باشد .
- ۷۹- هزینه کارشناسی : براساس نظریه شماره ۷/۴۰۹۶ مورخ ۷۹/۴/۲۸ نظریات مشورتی اداره حقوقی وصول حق الزحمه کارشناس نیاز به صدور اجراییه ندارد و دادگاه دستور وصول آو را به اجرا احکام صادر می نماید به علاوه چون قانونگذار وصول حق الزحمه کارشناس را به عهده دادگاه قرار داده انجام این کار با دادگاه است و کارشناس تکلیفی ندارد که برای وصول حق الزحمه کارشناس را به عهده دادگاه قرار داده انجام این کار با دادگاه است و کارشناسی تکلیفی ندارد که برای وصول حق الزحمه خود مبادرت به تقدیم دادخواست نماید .

قضایی رسیدگی کننده ارائه می‌دهند ، نوشته ، اسناد و مدارک غیر مرتبط با جرم نباید مطالبه و مورد بررسی قرار گیرد .

ماده ۱۵۵- هر گاه باز پرس راسا یا به تقاضای یکی از طرفین انجام کارشناسی را ضروری بداند قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می کند بازپرس باید موضوعی را که جلب نظر کارشناس نسبت به آن لازم است به طور دقیقی تعیین کند

ماده ۱۵۶- بازپرس کارشناس را به قید قرعه از بنی کارشناسان رسمی دادگستری دارای صلاحیت در رشته مربوط انتخاب می کند در صورت تعدد کارشناسان عده منتخبان باید فرد باشد تا به هنگام اختلاف نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد .

تبصره ۱- اعتبار نظر اکثریت در صورتی است که کارشناسان از نظر تخصص با هم مساوی باشند
تبصره ۲- اگر حوزه ای فاقد کارشناس رسمی دادگستری است یا به تعداد کافی کارشناس رسمی دادگستری ندارد و یا در دسترس نیست بازپرس می تواند از میان کارشناسان رسمی آن رشته در حوزه قضایی مجاور یا اهل خبره انتخاب کند

ماده ۱۵۷- بازپرس دستمزد کارشناس را با رعایت کمیت کیفیت و ارزش کار پیش از ارجاع امر تعیین می کند هر گاه پس از اظهار نظر کارشناس معلوم شود که دستمزد تعیینی شده متناسب نبوده است بازپرس میزان آن را به طور قطعی تعیین و دستور وصول آن را می‌دهد در هر حال دستمزد مزبور نباید از تعرفه تجاوز نماید .

ماده ۱۵۸- کارشناس منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است مگر آنکه به تشخیص بازپرس عذر موجه داشته باشد یا موضوع از موارد رد کارشناس محسوب شود که در این صورت کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی مراتب را به طور کتبی به بازپرس اعلام دارد.
تبصره : جهات رد کارشناس همان جهات رد دادرسی است.

ماده ۱۵۹- بازپرس هنگام ارجاع موضوع به کارشناس مهلت معین را برای اعلام نظر وی مشخص می کند در مواردی که اظهار نظر مسلزم زمان بیشتر باشد کارشناس باید ضمن تهیه و ارسال گزارشی از اقدامات انجام شده با ذکر دلیل تقاضای تمدید مهلت کند که در این صورت بازپرس می تواند برای یکبار مهلت را تمدید کند تمدید مهلت به کارشناس و طرفین ابلاغ می گردد هر گاه کارشناسی ظرف مدت معین نظر خود را به طور کتبی تقدیم دادگاه ننماید کارشناس دیگری تعیین میشود چنانچه قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر نظر کارشناس به دادگاه واصل و شد دادگاه به آن ترتیب اثر می‌دهد در هر حال دادگاه تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیتدار اعلام میدارد .

ماده ۱۶۰- بازپرس پرسشهای لازم را از کارشناس به صورت کتبی یا شفاهی به عمل می آورد و نتیجه را در صورتجلسه قید می کند در صورتی که بعضی موارد از نظر بازپرس در کشف حقیقت اهمیت داشته باشد کارشناس مکلف است به درخواست بازپرس در مورد آنها اظهار نظر کند

ماده ۱۶۱- جز در موارد فوری پس از پرداخت دستمزد به کارشناس اخطار میشود که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی نظر خود را تقدیم کند مراتب وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ میشود طرفین

میتوانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ جهت ملاحظه نظر کارشناس به دفتر بازرسی مراجعه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کنند .

ماده ۱۶۲-شهود تحقیق و سایر اشخاصی که هنگام اجرای قرار کارشناسی حق حضور دارند میتوانند مخالفت خود با نظریه کارشناس را با ذکر دلیل اعلام کنند این امر در صورتمجلس قید میشود .

ماده ۱۶۳- در صورت نقص نظریه کارشناسی یا ضرورت اخذ توضیح از کارشناس بازرسی موارد لازم را در صورتمجلس درج و به کارشناس اعلام می کند و او را برای ادای توضیح دعوت می نماید . در صورتی که کارشناس بدون عذر موجه در بازرسی حاضر نشود جلب میشود.

ماده ۱۶۴- اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر باشد اما بدون عذر موجه از اظهار نظر با حضور در جلسه با امضای نظریه کارشناسی امتناع کند نظر اکثریت ملاک عمل است عدم حضور کارشناس یا امتناع وی از اظهار نظر یا امضاء باید از طرف کارشناسان دیگر صورتمجلس شود

ماده ۱۶۵- هر گاه نظریه کارشناس به نظر بازرسی محل تردید باشد یا در صورت تعدد کارشناسان بین نظر و اختلاف باشد بازرسی می تواند تا دو بار دیگر از سایر کارشناسان دعوت به عمل می آید یا نظریه کارشناس یا کارشناسان مذکوررا نزد متخصص علم یا فن مربوط ارسال و نظر او را اعلام کند .

ماده ۱۶۶- در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد بازرسی نظر کارشناس را به نحو مستدل رد می کند و موضوع را به کارشناس دیگر ارجاع میدهد

ماده ۱۶۷- هر گاه یکی از طرفین دعوی از تخلف کارشناس متضرر گردد میتواند مطابق قوانین و مقررات مربوط از کارشناس مطالبه جبران خسارت کند .